



کوچه‌های غزه

زهره صفاری
خبرنگار

آوارگان فلسطینی در هیچ کجای غزه در امان نیستند

کودک و غرش موشک!

عبدالرحمان عمار و خانواده‌اش به همراه صدها خانواده فلسطینی در جاده صلاح‌الدین به سمت جنوب غزه در حرکت بودند که ناگهان انفجاری مهیب در چند صد متری آنها جهنمی واقعی را پیش روی شان به تصویر کشید.

روز جمعه ۱۳ اکتبر، همان زمانی که با دستور تخلیه مناطق شمالی از سوی صهیونیست‌ها و تضمین امنیت مسیر به غیرنظامیان، ساکنان شمال غزه با کوله‌باری کوچک برای کوچ اجباری شان به سمت بزرگراه صلاح‌الدین و در مسیر جنوب حرکت کردند، ارتش اشغالگر حتی نتوانست برای چند ساعت سر قول و حرفش بماند و در بمباران هوایی این مسیر و هدف گرفتن خودروهای غیرنظامیان دست کم ۷۰ فلسطینی را به شهادت رساند.

عبدالرحمان که در زمان این حمله به همراه والدین و پنج خواهرش در یک تاکسی سوار بود، می‌گوید: «زندگمان در آن مهلکه معجزه بود. کامیونی که بمب به آن خورد پر از زن و مرد و کودک بود. شاید دهها خانواده خودشان را در آن جای داده بودند.» هنوز هم یادآوری آن خاطره برای عبدالرحمان آسان نیست و هر چه بیشتر تصاویر پیش چشمش می‌آید، رنگ صورتش سفیدتر می‌شود: «بعد از اینکه حمله تمام شد همه جا پر از اجساد مردم بود. برخی‌ها قطع عضو شده و هر کدام یک طرف افتاده بودند. آن لحظه این حس را داشتیم که دیگر وقت مردن مان رسیده است.» همه خانواده عبدالرحمان تا لحظاتی حتی قدرت حرف زدن نداشتند و انگار از ترس در جایشان خشک شده بودند: «ما نمی‌دانستیم باید چه کار کنیم... بعد از مدتی سرانجام کمی به خودمان مسلط شدیم و به سمت جاده برگشتیم. وقتی به جنوب غزه رسیدیم در یک مدرسه مستقر شدیم.»

اما با اینکه مدرسی که پناهگاه شده بودند برای سازمان ملل بودند اما هیچ چیز حتی کمترین ضروریات زندگی در آنها پیدا نمی‌شد. خواهر ۲۵ ساله عبدالرحمان که از شدت غمی که در این چند روز دیده، نگاهی محو و بی‌رقم پیدا کرده بود، حرف‌های برادرش را ادامه داد: «نه تنها ما غذا و آب نداریم، بلکه برای زانی مانند من، مادر و چهار خواهرم هیچ جای خصوصی وجود ندارد. ما به خاطر ترس از خانه هایمان فرار کردیم اما آنجا دست کم حمام، اتاق، جای خواب و غذا برای خوردن داشتیم. اما اینجا در یک کلاس شش متری با ۳۰ نفر غریبه زندگی می‌کنیم.»

این در شرایطی است که آوارگان برای آسایش زنان و کودکان شان، کلاس‌ها را به آنها اختصاص داده و شب‌ها مردان در حیاط می‌خوابند.

کابوسی که تمامی ندارد

آن شب‌هایی که حملات صهیونیست‌ها شدت می‌گیرد صدای جیغ و فریاد مدرسه‌های غزه را فرامی‌گیرد. عبدالرحمان می‌گوید: «ناگهان زمین شروع به لرزیدن می‌کند.» هراس از صدای هولناک بمباران‌ها خواب را از چشم همه گرفته است. معدود افرادی می‌خوابند و بقیه یا مشغول دعا هستند یا دور هم جمع شده‌اند و دعا می‌کنند که هر چه زودتر صبح شود و این تاریکی خوفناک به پایان برسد. خانواده عبدالرحمان از نخستین کسانی هستند که به جنوب غزه کوچ کردند اما بعد از چند روز در پناهگاه‌ها، وقتی تهدید بمب‌های صهیونیست‌ها را هر لحظه بیشتر و نزدیک‌تر دیدند، حس کردند بهتر آن است که به خانه شان در شمال غزه برگردند: «ما انتخاب دیگری جز این نداشتیم.»

آن روزی که او و خانواده‌اش عزم بازگشت به خانه گرفتند حتی یک تاکسی هم پیدا نمی‌شد و خانواده هشت نفره در حال حرکت بودند. انگار این هراس در ذهن آنها هم افتاده آغوش گرفته بودند حدود شش کیلومتر پای پیاده در جاده پیش رفتند: «ساک لباس هایمان را در بغل گرفته بودیم. برای اینکه در صورت حمله هوایی احتمالی کمتر آسیب ببینیم زیرکازی حرکت می‌کردیم.»

سرانجام یک تاکسی از جاده عبور کرد و حاضر شد آنها را سوار کند. در جاده از هیچ کس صدایی در نمی‌آمد یا در حال دعا خواندن یا به مناظر تخریب شده خیره مانده بودند: «همان لحظات ناگهان همه جا صدای بمباران پیچید... حمله هوایی آغاز شده بود.»

آماده برای آرامش ابدی

سلیمان، پدر عبدالرحمان در صندلی جلوی تاکسی نشسته بود و در حالی که اطراف جاده را با ترس نگاه می‌کرد، افکارش را بلند به زبان آورد: «اگر مثل همان روز که آن کامیون بمب بخورد، یک بمب هم به ما بخورد چه می‌شود؟» همسر و فرزندانش سکوت کرده بودند. انگار این هراس در ذهن آنها هم افتاده بود. در همین لحظه والا، خواهر ۲۰ ساله عبدالرحمان سکوت را شکست و پاسخ سؤال پدرش را این‌طور داد: «خب ما هم می‌میریم. به همین سادگی. تازه بهتر هم می‌شود. درسته؟ دیگر نه گرسنگی و نه تشنگی و از همه آنها مهمتر دیگر ترسی نداریم و همگی به یک آرامشی جاودانه می‌رسیم. آرامشی که ما را از هر رنج و مرگ تدریجی هر روزه رها می‌کند.»

با تداوم بمباران‌های غزه توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی دست کم ۵۷۹۱ فلسطینی که نیم بیشترین زنان و کودکان بودند، در نوار غزه به شهادت رسیده و حدود یک میلیون نفر آواره شده‌اند.

اجداد خانواده عبدالرحمان یک بار در سال ۱۹۴۸، از یاقا مجبور به کوچ شده بودند. حالا عبدالرحمان می‌گوید: «ما از نیت صهیونیست‌ها به خوبی باخبریم. اگر اسرائیل دنبال امنیت ما بود، باید ما را به جایی که یک بار ما را از آن آواره کرد: خانه مان در یاقا بازمی‌گرداند. اما شک دارم که آنها این را بخواهند. آنها تبعید ابدی ما را می‌خواهند و تا گرفتن آخرین جان‌ها نیز آرام نخواهند ماند.»

همسایه‌ای که زیر آوار ماند

در میان آوارگانی که در یکی از مدارس جنوب غزه مستقر بودند، زنی از خاطره دردناک خاموشی همسایه‌اش می‌گفت: «نیمه‌های شب بود و همه خوابیده بودیم که ناگهان صدای غرشی مهیب ساختمان را لرزاند، قاب‌ها از دیوار پایین افتادند. شیشه‌ها منفجر و به همه جا پراکنده شدند. بچه‌ها با ترس از خواب بیدار شده بودند و جیغ می‌کشیدند. همه مان هراسان بیرون رفتیم. خانه همسایه مان با بمبی فروریخته بود. کودالی به عمق شش متر در آن ساختمان دیده می‌شد. خودروهای امداد به سرعت به سمت محل می‌آمدند. هرکس با هر چه دستش می‌رسید سعی داشت کمک کند اما راهی برای نجات آن خانه و کودکان پر سر و صدایش نبود و همه زیر خروارها خاک مدفون شده بودند. با این حال همه تا نزدیک صبح تلاش شان را کردند و سرانجام جنازه زن همسایه را بیرون کشیدند اما دیگر فرصتی برای جست و جو نبود و بقیه خانواده در سکوت و بهت همه ما زیر آوار خانه شان برای همیشه دفن شدند. آن لحظه تنها این فکر در ذهن مان بود: آیا نفر بعدی ما هستیم؟!»

برق را هم در سطح غزه قطع کرده و مردمانی را مجازات می‌کند که هیچ ارتباطی با عملیات نظامی حماس ندارند که در جای خود با این هدف صورت گرفته که جانبان صهیونیست را سر جای خود بنشانند و جواب سال‌ها ظلم آنها به ملت شریف فلسطین را بدهد. در یکی از بندهای کنوانسیون ژنو به صراحت آمده است که اسرائیل باید به ساکنان غزه و کرانه غربی هر میزان غذا و آب را که ضروری است، برساند و روند استفاده از حامل‌های انرژی را برقرار و البته امنیت جانی ساکنان منطقه را حفظ کند. از بی‌تفاوتی و عجز نهادهای بزرگ نظارتی جهان همین بس که هر آنچه رژیم جعلی اسرائیل در این ۲۰ روز انجام داده، ضد تعاریف فوق و ۱۸۰ درجه متفاوت با وظایف ترسیم شده برای خود بوده است. اسرائیل همانند پلیس فاسدی است که به جای حفظ جان مردم در حوزه استحقاقی خویش آنها را می‌کشد و به لطف چراغ سبزی که غربی‌ها به رویش روشن نگه داشته‌اند، هرگونه جنایت شرم‌آوری را مرتکب می‌شود.

۱۸۰ درجه متضاد با انسانیت

رژیم صهیونیستی اینک به وضوح اعلام یک جنگ سراسری با فلسطینی‌ها را کرده و تمام گستره نوار غزه را هدف گرفته و مردم و خانه‌هایشان را صبح و شب می‌کوبد. شرات سربازان این رژیم به حدی می‌رسد که ورود هرگونه غذا و دارو به منطقه را ممنوع کرده و جریان

جنگی متوقف شود و ثانیا، راه‌های ورود هر محموله کمک‌رسانی اضطراری به خیل آسیب دیده‌های غزه باز و این محموله‌ها به نیازمندان تحویل داده شود.

از بایدن تا مکرون

اسرائیل در حالی حمله روز ۷ اکتبر حماس را که نقطه شروع عملیات الاقصی بود بانی اصلی جنگ جاری توصیف کرده است که نه تنها تمامی تجاوزات سننات قبلی‌اش به حقوق ملت فلسطین ناقض قوانین انسانی بوده، بلکه آنچه طی سه هفته اخیر در غزه انجام داده، مصداق آشکار جنایات جنگی است؛ جنایاتی که با کنوانسیون ژنو منافات آشکار داشته و ناقض هر عهدنامه جنگی دیگری است که در شورای امنیت در سالیان معاصر لزوم رعایت آن را به همه طرف‌های درگیر در هر جنگ رایج در گستره کیتی توصیه کرده است. امریکا به جای کمک در راه تنش‌زدایی با سخنانی که جو بایدن در جریان سفر اخیرش به تل‌آویو بیان داشت، ناامیدی فلسطینی‌ها را بیشتر و شرایط منطقه را بحرانی‌تر کرد و سپس نوبت به امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه رسید تا در دیدار روز سه‌شنبه‌اش



Reuters

نه گوش سایر غربی‌ها به روی آن گشوده شد و کوچک‌ترین ترتیب اثری به آن سندن افشاگرانه داده نشد. جدیدترین محصول ۲۰۰۹ در یک گزارش ویژه از سوی سازمان ملل که آن را گولداستون نامیدند، همه پروسه‌های جنایتکارانه صهیونیست‌ها تشریح و راه‌های مقابله با آن توصیف شده بود که البته نه چشم امریکان را دید و

توسط سازمان حماس و وقوع طوفان الاقصی عنوان می‌کند، بایدن به این رژیم ضدبشری یادآوری کرد که حتی در سال ۲۰۰۹ در یک گزارش ویژه از سوی سازمان ملل که آن را گولداستون نامیدند، همه پروسه‌های جنایتکارانه صهیونیست‌ها تشریح و راه‌های مقابله با آن توصیف شده بود که البته نه چشم امریکان را دید و

۱۴ اکتبر



یوسف ماهر دواس

داواس، نویسنده مشارکت‌کننده در سایت تاریخچه فلسطین (Palestine Chronicle) و نویسنده ما عدد نیستیم، (We Are Not Numbers) (WANN)، یک پروژه غیرانتفاعی فلسطینی تحت رهبری جوانان، در حمله موشکی اسرائیل به خانه خانواده‌اش در شهر شمالی بیت‌لاهیاء، واقع در شمال شرق، شهید شد.

۱۳ اکتبر



دردود میما

او سمت رئیس کمیته روزنامه‌نگاران زن در مجمع رسانه‌های فلسطین را بر عهده داشت؛ سازمانی که متعهد به پیشبرد کار رسانه‌ای برای روزنامه‌نگاران فلسطینی است. جسد او سه روز پس از اینکه خانه‌اش در اردوگاه جبالیه، واقع در شمال نوار غزه، توسط یک حمله هوایی اسرائیل در ۱۰ اکتبر مورد حمله قرار گرفت، از زیر آوار بیرون آمد.

حسام مبارک



او خبرنگار رادیو الاقصی وابسته به حماس بود که در اثر حملات موشک‌های هدایت‌شونده اسرائیل در شمال نوار غزه شهید شد.

عصام عبدالله



او فیلمبردار خبرگزاری رویترز در بیروت بود که در جریان یک حمله گلوله‌باران از سمت اسرائیل در نزدیکی مرز لبنان شهید شد. عبدالله و گروهی دیگر از روزنامه‌نگاران در حال پوشش دادن گلوله‌باران‌های بی‌در پی در نزدیکی المع‌الشعب در جنوب لبنان بین نیروهای اسرائیلی و حزب‌الله لبنان بودند.

۱۲ اکتبر



احمد شهاب

شهاب به همراه همسر و سه فرزندش در حمله هوایی اسرائیل به خانه وی در اردوگاه جبالیه واقع در شمال نوار غزه شهید شدند.

۱۱ اکتبر



محمد فایز ابوممر

او عکاس خبرنگار آزاد بود که در جریان حمله هوایی اسرائیل به شهر رفح در جنوب نوار غزه شهید شد.

۹ اکتبر



سعید الطویل

او سردبیر وب سایت الخمسه نیوز، در حمله جنگنده‌های اسرائیلی به منطقه‌ای که چندین رسانه در منطقه ریمال در غرب غزه در آن مستقر بودند، به طور خاص ساختمان هیجی را هدف قرار دادند، شهید شد.



محمد صبح

او عکاس خبرگزاری الخمسه نیوز، بود که بر اثر هدف قرار گرفتن هواپیماهای اشغالگر هنگام پوشش خبری تخلیه یکی از ساختمان‌های در معرض تهدید بمباران در منطقه ریمال به شهادت رسید.

هشام النواجحه



او روزنامه‌نگار خبرگزاری «خبر» و سایت الخمسه نیوز نیز در اثر بمباران رژیم صهیونیستی همراه با سعید الطویل و محمد صبح شهید شد.

۸ اکتبر



اسعد شملخ

بر اساس گزارش سازمان غیرانتفاعی پژوهشی و حمایتی مستقر در بیروت، شملخ، یک روزنامه‌نگار آزاد به همراه ۹ عضو خانواده‌اش در حمله هوایی اسرائیل به خانه آنها در شیخ‌اجلین، محله‌ای در جنوب نوار غزه شهید شد.

۷ اکتبر



محمد الصالحی

او عکاس و روزنامه‌نگار فلسطینی بود که برای خبرگزاری حکومت چهارم کار می‌کرد. او در نزدیکی یک اردوگاه آوارگان فلسطینی در مرکز نوار غزه بر اثر تیراندازی نیروهای ارتش تروریستی اسرائیل، در خلال پوشش خبری عملیات طوفان الاقصی به شهادت رسید.

محمد جرفون



او روزنامه‌نگار رسانه هوشمند هنگام گزارش درگیری در منطقه‌ای در شرق شهر رفح در جنوب نوار غزه هدف گلوله قرار گرفت.

ابراهیم محمد لافی



ابراهیم لاقی اهل کفرعزه عکاس آژانس عین مدیا. در ۷ اکتبر هنگام پوشش خبری رویدادها در گذرگاه اریز در مرکز نوار غزه بر اثر آتش اشغالگران شهید شد.



AFP

۱۷ اکتبر



محمد بلوشا

روزنامه‌نگار و مدیر اداری و مالی دفتر کانال رسانه‌های محلی فلسطین امروز (فلسطین‌الیوم) در غزه، در حمله هوایی اسرائیل به محله الصفاوی در شمال غزه شهید شد.

عصام بهار



او خبرنگار تلویزیون الاقصی بود که در نتیجه بمباران اشغالگران در نوار غزه به همراه همسرش شهید شد و تعدادی از اعضای خانواده وی نیز مجروح شدند.

۱۶ اکتبر



عبدالهادی حبیب

او روزنامه‌نگاری بود که برای خبرگزاری المناره و خبرگزاری HQ کار می‌کرد. حبیب به همراه چند تن از اعضای خانواده‌اش در یک حمله موشکی به خانه او در نزدیکی محله زیتون در جنوب شهر غزه شهید شدند.

بای مادران غزه



AFP



AP



AFP



Xinhua